دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال دوازدهم/ شماره ۲۰/ پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth Year ،No20, Spring & Summer 2021-2022

بررسی دلالت آیه «۴۱ و ۴۲» سوره فصلت بر عدم تحریف قرآن کریم «از منظر مفسرین فریقین»

□ رحمت‌الله حمیدی *

چکیده

تحریف به معنای دگرگون کردن و وارونه‌سازی است که به معنوی و لفظی تقسیم می‌شود. تحریف لفظی یعنی تغییر در نص قرآن کریم به زیاده و یا نقیصه. ازآنجاکه قرآن کریم معتبرترین منبع دینی مسلمانان است. همه آنان بر این عقیده‌اند که تحریف در قرآن کریم راه ندارد. برای این ادعایشان دلیل‌های عقلی و نقلی اقامه کردند و یکی از ادله نقلی که اندیشمندان اسلامی بر مصونیت قرآن عظیم مطرح نموده است آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت است که در این پژوهش به تبیین این آیه مبارکه از منظر مفسرین فریقین باهدف تطبیق و تقریب به دیدگاه اندیشوران اسلامی پرداخته شده است. با بررسی دیدگاه‌های مفسرین فریقین به این نتیجه رسیده هست که در تبیین دلالت این آیه مبارک بر مصونیت قرآن کریم؛ از هرگونه دخل و تصرف؛ اختلاف چندانی وجود ندارد جز اینکه بزرگان معاصر شیعه در تبیین نظریات شان آیه مبارکه را تحلیل نموده و کمتر به اقوال پرداخته است.

کلیدواژه: قرآن کریم، مصونیت قرآن، عدم تحریف، نفی باطل، شیعه و اهل‌سنت.

---

* . سطح چهار، رشته فقه و معارف اسلامی (گرایش تفسیر و علوم قرآن)

مقدمه

قرآن کریم، اصلی‌ترین منبع دینی مسلمانان هست. همهٔ آنان بر این عقیده‌اند که قرآن کریم مصون از هرگونه تحریف هست و برای اثبات ادعایشان دلایل عقلی و نقلی اقامه نموده‌اند. ازجمله دلایل نقلی آیات از قرآن کریم است که دلالت بر حفظ کتاب‌الله از هرگونه تحریف دارد. یکی از آن آیات؛ آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت هست که در کتاب‌های علوم قرآنی و تفسیری فریقین؛ مورد استدلال قرارگرفته است. جا دارد که این آیه مبارکه به‌صورت تطبیقی از نگاه مفسرین شیعه و اهل‌سنت مورد بررسی قرار گیرد؛ تا موارد اشتراک و اختلاف آنان در شیوه استدلال؛ به این آیه بر مصونیت قرآن کریم روشن گردد. حال پرسش اصلی این است که: مفسرین فریقین بر مصونیت قرآن کریم از تحریف به آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت چگونه استدلال نموده‌اند؟

در مورد دیدگاه فریقین در مورد آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت تحقیق مستقل صورت نگرفته است اگرچه در کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی به مناسبت بحث از آیه مبارکه دیدگاهی مفسرین شیعه و اهل‌سنت بیان‌شده است ولی جا دارد که به‌صورت مستقل دیدگاه فریقین در مورد کیفیت استدلال و مقدار دلالت این آیه مبارکه بر مصونیت قرآن کریم از تحریف مورد بررسی قرار گیرد.

مفاهیم

تحریف در لغت

تحریف از ریشه «ح رف» به معنی کناره، جانب و اطراف یک **شیء** می-**باشد.** *(قرشی بنابی, ۱۳۷۱ه‌ش)* جوهری می‌نویسد: «حرف کل شیءٍ: طَرَفُهُ و شَفِیرُهُ و حَدُّه؛ **حرف** کل شیء؛ یعنی اطراف و لبه‌ها و حد و مرز آن چیز. تحریف کلام یعنی «و تَحْرِیفُ الکلام عن مواضعه: تغییرُه؛ تحریف کلام از جایگاهش یعنی تغییر آن. (جوهری، ۱۳۷۶ ه.ق. ج ۴؛ ص۱۳۴.) مفردات راغب آورده است «حَرْفُ الشّیء، یعنی لبه و جانب چیزی، جمع آن- أحْرُف و حُرُوف است می‌گویند: حَرْف السّیف ـ لبه شمشیر. حَرْف السّفینهٔ ـ پهلوی کشتی. حَرْف الجبل ـ لبه و پرتگاه کوه. و تَحْرِیفُ الشّیء ـ برگرداندن شکل و حالت چیزی است، مثل: تَحْرِیف القلم- **یعنی تراشیدن** و تغییر شکل دادن قلم. تَحْرِیف الکلام ـ سخن را بر **یک** معنی احتمالی قرار دادن درحالی‌که دو معنی داشته باشد. (راغب اصفهانی, ۱۳۷۴ ه.ش. ج۱، ص: ۴۷۲) ابن منظور می‌نویسد: «تَحْرِیفُ الکلِم عن مواضِعِه: تغییره. و التحریف فی القرآن و الکلمهٔ: تغییر الحرفِ عن معناه و الکلمهٔ عن معناها و هی قریبهٔ الشبه کما کانت الیهود تُغَیرُ مَعانی التوراهٔ بالأشباه، فوصَفَهم اللّه بفعلهم فقال تعالی: «**یحَرِّفُونَ الْکلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ**» *(نساء/۴۶)» (ابن منظور, ۱۴۱۴ ه.ق. ج۹ ؛ ص۴۳)*

آنچه از لغت استفاده می‌شود این است که ریشه کلمه «تحریف» به معنی جانب؛ کناره و لبه هر چیزی است. ولی تحریف از باب تفعیل به معنی هر

چیزی که شکل و حالت اصلی خود تغییر کند. مثل تراشیدن نوک قلم و یا کلام و یا قرآن کریم که شکل اصلی آن را تغییر دهند.

تحریف از منظر قرآن کریم

واژه «حرف» در قرآن کریم به شش مورد بکار رفته است و در دو مورد به معنی لغوی استعمال شده است:

۱. «**وَ مَنْ یوَلِّهِمْ یوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاَّ مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَیزاً إِلی فِئَةٍ.**» «و هرکس در آن هنگام به آن‌ها پشت کند، مگر درصورتی‌که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به‌قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد.» (*انفال/۱۶.*)

۲. «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یعْبُدُ اللَّهَ عَلی حَرْفٍ؛ بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند» (*حج/۱۱.*) تعبیر به «علی حرفٍ» ممکن است اشاره به این باشد که ایمان آن‌ها بیشتر بر زبانشان است و در قلبشان جز نور ضعیف بسیار کم‌رنگ از ایمان نتابیده است؛ زیرا یکی از معانی «حرف» لبه کوه و کناره اشیاء است. کسی که چنین ایمان دارد در لبه پرتگاه قرار دارد و با اندک تکان از مسیر خارج می‌شود. (*مکارم شیرازی، ۳۷۱ ه. ش. ج۱۴، ص۳۳.*)

در چهار مورد تحریف به معنی تغییر محتوای کلام خداوند استعمال شده است:

۱. آیه ۴۱ سوره مائده «... **وَ مِنَ الَّذینَ هادُوا سَمَّاعُونَ لِلْکذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرینَ لَمْ یأْتُوک یحَرِّفُونَ الْکلِمَ مِنْ بَعْدِ مَواضِعِهِ** ... ؛ و چه آنان که یهودی‌اند که به‌شدت شنونده دروغ‌اند (با آنکه می‌دانند دروغ است) و به‌شدت

گوش به فرمان گروهی دیگرند که (ازروی حسد و کبر) نزد تو نیامده‌اند. (آن گروهی که) کلمات (خدا) را پس از استواری در جایگاه‌هایش تحریف می‌کنند، و معنای حقیقی‌اش را تغییر می‌دهند.»

۲. آیه ۱۳ سوره مائده «**فَبِما نَقْضِهِمْ میثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنا قُلُوبَهُمْ قاسِیةً یحَرِّفُونَ الْکلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ.**» پس آنان را به سبب پیمان شکستنشان لعنت کردیم، و دل‌هایشان را بسیار سخت گردانیدیم، (تا جایی که) کلمات خدا را از جایگاه اصلی‌اش و معنای حقیقی‌اش تغییر می‌دهند.»

۳. آیه ۴۶ سوره نساء «**مِنَ الَّذینَ هادُوا یحَرِّفُونَ الْکلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ**؛ برخی از کسانی که یهودی‌اند، حقایق (کتاب آسمانی) را (با تفسیرهای نابجا و تحلیل‌های غلط و ناصواب) از جایگاه‌های اصلی و معانی حقیقی‌اش تغییر می‌دهند.»

۴. آیه ۷۵ سوره بقره «**أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ یؤْمِنُوا لَکمْ وَ قَدْ کانَ فَرِیقٌ مِنْهُمْ یسْمَعُونَ کلامَ اللَّهِ ثُمَّ یحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ یعْلَمُونَ**؛ آیا (شما مردم مؤمن) امید دارید که (آن سخت‌دلان) به (دین) شما ایمان بیاورند؟! درحالی‌که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می‌شنیدند، سپس بعد ازآنکه (معنا و مفهومش را) درک می‌کردند، (به سبب دنیاطلبی و امور مادی) به‌دلخواه خود تغییرش می‌دادند، درصورتی‌که می‌دانستند (به کلام خدا و به مردم جویای حق خیانت می‌کنند.»

با توجه به این آیات؛ واژه «تحریف» در قرآن کریم به معنی تفسیر به رأی و تحریف معنوی بکار رفته است نه تحریف لفظی که موردبحث ما است.

تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح دانشمندان علوم قرآنی به معنای دگرگون کردن و وارونه‌سازی است و مصادیق گوناگونی دارد (*خوئی، ۱۴۱۸، ص ۱۹۷- ۱۹۸؛ معرفت، ص ۱۳- ۱۶*) که دو مصداق آن تحریف قرآن به کاستی و زیاده موردنظر هست. تحریف فزونی معتقدانی ندارد و اجماع بر نفی آن است (*خوئی، ۱۴۱۸، ص ۲۰۰*)، ولی درباره تحریف به کاستی اختلاف‌نظر هست. *(مهدوی راد, ۱۳۸۲ ص. ۳۵۶)*

یکی دیگر از اندیشمندان علوم قرآنی چنین تعریف نموده که تحریف عبارت است: از تصرف در نص قرآن کریم که بر پیامبر (ص) نازل‌شده است. فرق نمی‌کند که این تصرف داخل کردن چیزی در قرآن کریم باشد و یا کم کردنی چیزی از قرآن کریم باشد. ولو اینکه جزء کلمه یا حرف و یا تغییر و تبدیل حرکات و یا حروف باشد. *(عبد الرسول, ۱۴۱۵ ص. ۲۴۰)* پس تحریف در اصطلاح اندیشوران علوم قرآنی عبارت است: از هرگونه دیگر گونی و تغییر در نص قرآن کریم چه به زیاده و چه به نقیصه.

تحریف به دو قسم است:

۱. **تحریف معنوی:** به این معنی که مفسر بر اساس پیش‌فرض‌های فکری باطل خود قرآن کریم را تفسیر کند که به این تعبیر تفسیر به رأی نیز گفته می‌شود. *(جوادی آملی, ۱۳۸۹ ه‍ش ص. ۱۸)* در اینکه تفسیر به رأی در تبیین محتوای قرآن کریم صورت می‌گیرد شکی نیست ولی این امر به فرمایش مفسر حکیم آیت‌الله جوادی آملی زیان به اعتبار و حجیت قرآن کریم وارد نمی‌کند

چون امری است از بیرون قرآن کریم. *(جوادی آملی, ۱۳۸۹ هش ص. ۲۱)*

۲. **تحریف لفظی:** یعنی دخل و تصرف در ساختار الفاظ قرآن کریم می‌باشد که خود بر دو نوع می‌باشند.

۲,۱. تحریف لفظی به فزونی؛ یعنی آیه یا سوره‌ای را از پیش خودساخته، بر قرآن افزوده باشد و این فزونی‌ها، بی‌آنکه قابل‌تشخیص باشد، در قرآن کنونی راه یافته باشد. در مورد عدم وقوع تحریف به زیاده در قرآن کریم بین عالمان شیعه و سنی اتفاق‌نظر وجود دارد که در قرآن فعلی چیزی اضافه نشده و هیچ شاهد تاریخی و یا روایی بر وقوع چنین تحریف در قرآن کریم و جود ندارد. *(جوادی آملی, ۱۳۸۹ هش ص. ۱۸)*

۲,۲. تحریف لفظی به کاستی؛ یعنی بخشی از کلمات، آیات یا سوره‌های قرآن را بی‌آنکه قابل‌تشخیص باشد، از آن حذف کرده باشد. *(جوادی آملی, ۱۳۸۹ هش ص. ۱۹)*. تحریف لفظی به نقیصه محل بحث است که در قرآن کریم واقع‌شده است یا نه؟ بعضی از اهل‌سنت قائل به تحریف به نقیصه شده است مانند حشویه. *(محمّدی, ۱۳۹۴ ص. ۱۲۹)* اندیشمندان شیعه و سنی چنین دیدگاه را مردود دانسته‌اند و برای رد این دیدگاه به آیات و سیره استدلال نموده‌اند که یکی از ادله قرآنی آن‌ها بر مصونیت قرآن کریم از تحریف آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت هست که عالمان شیعه و اهل‌سنت برای نفی هرگونه دخل و تصرف در قرآن کریم در هر زمان و مکان به این آیه مبارکه استدلال نموده است که کیفیت استدلال آن‌ها در ادامه موردبررسی قرار می‌گیرد

بررسی دلالت آیه نفی باطل بر نفی سلامت قرآن از تحریف

قرآن کریم می‌فرماید: «**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكرِ لَمَّا جاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزِيزٌ ۞ لا يأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَينِ يدَيهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ**.» مفسرین تحریف را از مصادیق باطل دانسته‌اند و با استدلال به این آیه مبارکه واردشدن هرگونه باطل را در قرآن کریم نفی نموده‌اند که قرآن کریم از هنگام نزول تا قیامت از هرگونه تحریف و داخل شدن باطل از تمامی جهات مصون و محفوظ می‌باشد. موارد زیر در تبیین استدلال به این آیه مبارکه نقش مهم را ایفا می‌کند:

۱. مراد از «ذکر» در آیه مبارکه؛ قرآن کریم است همچنان که مفسرین تبیین نموده است.

۲. مراد از «کتاب عزیز» این است که عزیز به معنی نفوذناپذیر است و قرآن کتاب است که هیچ باطل نمی‌تواند در آن نفوذ کند.

۳. مراد از «**لا يأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَينِ يدَيهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» یعنی هر نوع باطل که مقابل حق قرار می‌گیرد و تحریف نیز از باطل است که در قرآن کریم راه ندارد. یعنی از زمان نزول قرآن کریم تا آخر باطل در قرآن راه ندارد.

بررسی دیدگاه مفسرین اهل‌سنت در مورد آیه نفی باطل

مفسرین اهل‌سنت در ذیل این آیه مبارکه به تفسیر و تبیین دلالت آن بر مصونیت قرآن کریم از تحریف پرداخته‌اند که در ذیل به دیدگاه برخی از اقوال مفسرین اهل‌سنت می‌پردازیم.

۱. عبدالله بن محمد دینوری در تفسیر آیه مبارکه می‌نویسد: مراد از «لا

یأْتِیهِ الْباطِلُ؛ یعنی کتاب تورات و انجیل و زبور و سایر کتب با قرآن کریم مخالفت ننمود.» و «**مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» پیش از کتاب باقران مخالفت نتوانسته و بعدش نیز نمی‌تواند مخالفت کنند و گفته‌شده که تورات و انجیل و زبور و سایر کتب پیش از او قرآن را تکذیب نکرده است و نه بعدش کتابی توان تکذیب قرآن را ندارد. نیز گفته‌شده که ابلیس به‌سوی پیامبر اکرم (ص) قبل از نزول و آمدن جبرئیل نیامده که در قرآن چیزی زیاده کرده باشد و نه بعد از رفتن جبرئیل چیزی را کم کند. نیز گفته‌شده که مراد این است که قرآن کریم تناقض ندارد؛ بلکه موافق هم هستند. (دینوری، ۱۴۲۴. ج۲، ص۷۱.)

۲. ثعلبی در تفسیرش اقوال را ذیل آیه مبارکه از قتاده و سدی نقل‌شده که مراد از اینکه باطل در قرآن راه ندارد یعنی شیطان قادر به تغییر به زیاده و کم کردن قرآن نیست. سعید بن جبیر می‌گوید: که منکر و باطل نمی‌تواند در قرآن راه پیدا کند. و نیز گفته‌شده که کتب گذشته قرآن را تکذیب یا باطل نمی‌کند بلکه موافق و مصدق قرآن است و بعد از قرآن کریم کتاب نمی‌آید که قرآن را باطل و یا نسخ کنند. (*ثعلبی، ۱۴۲۲ ه.ق. ج۸، ص ۲۹۸.*)

۳. مارودی در تفسیرش ذیل آیه مبارکه می‌نویسد: که در مورد «لا یأْتِیهِ الْباطِلُ؛ چهار قول ذکرشده که ابلیس یا شیطان نمی‌تواند باطل را وارد قرآن کند. تبدیل و تغییر و تکذیب در قرآن راه ندارد. باطل و تناقض و اختلاف در قرآن کریم راه ندارد. و در مورد «**مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» چهار وجه واردشده است:

۱ـ اینکه باطل از کتب گذشته و آینده وارد قرآن کریم نشده است؛

۲ـ از اول نزول قرآن تا آخرش باطل وارد قرآن کریم نشده است؛

۳ـ و در خبر دادن قرآن کریم از گذشته و آینده باطل راه ندارد؛

۴ـ احتمال چهارم نیز وجود دارد و آن اینکه «مابین یدیه» یعنی لفظ قرآن کریم و ما خلفه» یعنی تأویل قرآن کریم پس باطل نه در لفظ قرآن واردشده و نه در تأویل آن. *(ماوردی، م ۴۵۰ ه‍ق ص. ج۵، ص ۱۸۵) و (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ ه.ق. ج۴؛ ص۵۴.)*

۴. زمخشری در کشاف در مورد «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» می‌نویسد: مثل این است که باطل از هیچ جهتی میل و راه برای ورود به قرآن کریم پیدا نمی‌کند بلکه هر طعن طاعن و هر قول باطل با قرآن کریم نابود می‌شود. *(زمخشری، ۱۴۰۷ ه.ق. ج۴، ص۲۰۲.)*

۵. فخر رازی در تفسیر کبیر ذیل همین آیه می‌نویسد: قرآن کتاب عزیز است و برای عزیز دو معنی وجود دارد: ۱- غالب و قاهر: یعنی قران به توان حجیت خودش بر همه چیز غالب است و سیطره دارد. ۲- عزیز یعنی نظیر برای قرآن وجود ندارد چون هیچ‌کس توان مبارزه با قرآن را ندارد بلکه از مبارزه با قرآن ناتوان هستند. در مورد «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» می‌نویسد: آنچه قرآن کریم به حقانیت آن حکم می‌کند باطل نمی‌گردد و آنچه را که قرآن به بطلانش حکم می‌کند حق نمی‌گردد. قرآن کریم از همه جهات محفوظ هست و باطل در آن راه پیدا نمی‌کند که زیاد و نقصان را در قرآن وارد کند. دلیل بر این آیه حفظ (حجر/۲۹) هست. نیز احتمال دارد که مرادش این باشد که نه درگذشته و نه در آینده کتابی یافت نمی‌شود توان

معارضه با قرآن را داشته باشد. ابی مسلم اصفهانی به آیه مبارکه عدم وجود نسخ در قرآن کریم استدلال نموده که نسخ از باطل هست و باطل در قرآن کریم راه ندارد و قائل شدن به نسخ خلاف این آیه نفی باطل است. (*فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق. ج۲۷، ص۵۶۸.*)

۶. بیضاوی در تفسیرش می‌نویسد: «**وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزِيزٌ**» یعنی قران کریم کتاب زیاد نفع می‌دهد و بی‌مانند است و یا منیع است که باطل و تحریف در آن ره ندارد. «لا يأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَينِ يدَيهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» یعنی باطل از هیچ جهت نمی‌تواند وارد قرآن کریم شود. (*بیضاوی، ۱۴۱۸ ه.ق. ج۵، ص۷۳*)

۷. ابن کثیر در ذیل آیه مبارکه می‌نویسد: قرآن کتاب عزیز است و کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد. باطل در قرآن کریم راه ندارد چون‌که از جانب پروردگار عالمیان نازل‌شده است. (*ابن کثیر، ۱۴۱۹ ه.ق. ج۷، ص۱۶۷.*)

۸. سیواسی در عیون التفاسیر ذیل همین آیه می‌نویسد: چیزی که قرآن را باطل و یا تغییر دهد به قرآن کریم نمی‌رسد ازهرجهت کتاب عزیز محفوظ است. (*سیواسی، ۱۴۲۷ ه.ق. ج۴، ص۶۹.*)

۹. در تفسیر سراج منیر آورده است که مراد از باطل در آیه مبارکه زیاد کردن در قرآن و کم کردن از آن می‌باشد. (*خطیب شربینی، ۱۴۲۵ ه.ق. ج۳، ص۶۲۰.*)

۱۰. طبری در تفسیر جامع‌البیان ذیل آیه بعد از بیان اقوال می‌نویسد: قول به صواب این است که «من بین بدیه» یعنی تحریف‌کننده با مکرش توان تغییر قرآن و تبدیل چیزی از معانی آن را ندارد. «من خلفه» چیزی که از قرآن نیست

نمی‌تواند به آن اضافه کند. (*طبری، ۱۴۱۲ ه.ق. ج۲۴، ص۷۹.*)

۱۱. آلوسی در تفسیر روح المعانی می‌نویسد: اینکه کتاب عزیز هست و مانندش یافت نمی‌شود و یا منیع هست به این معنی که کسی توان معارضه با آن را ندارد؛ اصل عزت حالت مانع است برای انسان که نمی‌تواند غلبه پیدا کند. «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» صفت دیگر برای کتاب است که از جمیع جهات محفوظ است مثل «صباح و مساء» که کنایه از همه زمان‌ها است و مرادش این است که باطل از هیچ جهت از جهات نمی‌تواند وارد قرآن شود. (*آلوسی، ۱۴۱۵ ه.ق. ج۱۲، ص۳۷۹.*)

۱۲. عبدالکریم فیشری از مفسرین معاصر اهل‌سنت در مورد این آیه مبارکه می‌نویسد: قرآن کتاب عزیز است یعنی هیچ‌کسی توان معارضه با قرآن کریم را ندارد چون کلام پروردگار عزیز به رسول عزیز توسط فرشته عزیز و به امت عزیز و شریف نازل‌شده است. «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکیمٍ حَمِیدٍ**» یعنی کتابی دیگری چه از گذشته و چه در آینده نمی‌تواند در قرآن کریم نقصی وارد کند بلکه بعد از قرآن کتاب و نسخ وجود ندارد و گفته‌شده که هیچ‌کسی قادر نیست مثل قرآن بیاورد. (*قشیری، ۲۰۰۰ م. ج۳، ص۳۳۵.*)

در نتجیه از مجموع اقوال مفسرین اهل‌سنت نکات ذیل استفاده می‌شود:

۱. اصل دلالت این آیه مبارکه بر مصونیت قرآن از تحریف به زیاده و نقیصه ثابت است و حتی از بعضی عبارت‌ها بوی صیانت تحریف معنوی نیز می‌رود. مانند بیان طبری در جامع‌البیان.

۲. این آیه مبارکه اطلاق دارد به این معنی که از هیچ جهتی دستخوش تحریف قرار نمی‌گیرد.

۳. و نیز استفاده می‌شود که از آغاز نزول وحی تا قیامت قرآن کریم مصون و محفوظ هست.

۴. و تمامی ۱۷ نکته‌ای که در تفاسیر اهل‌سنت ذکرشده است بیان مصداق باطل است پس از آیه مبارکه استفاده می‌شود که هر نوع باطل توان ورود به قرآن کریم را ندارد.

۵. علت اینکه قرآن کریم دستخوش تحریف واقع نمی‌شود. چون کتاب عزیز است و از جانب شخص حکیم نازل‌شده است.

بررسی دیدگاه مفسرین شیعه در مورد آیه نفی باطل

۱. مقاتل ابن سلمان در تفسیر آیه مبارکه می‌فرماید: قرآن کریم کتاب عزیز و نفوذناپذیر است و ذلت نمی‌پذیرد. چون باطل در از پیش در او راه ندارد. قرآن کریم به‌دروغ نیامده است. بلکه این قرآن کتاب‌های قبل از خودش را مثل تورات و انجیل و زبور را تصدیق می‌کنند. «و لایأتیه من خلفه؛ یعنی بعد از این کتاب نمی‌آید که قرآن را باطل و تکذیب کند. چراکه آن وحی از جانب خداوند حکیم. (*مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ه.ق. ج۳، ص۷۴۴.*)

۲. شیخ طوسی (ره) در تفسیر تبیان می‌نویسد: معنی اینکه قرآن کتاب عزیز است این است که هیچ‌کس قادر نیست که مثل او را بیاورد و یا در برهان با مخالفت کند. نیز گفته‌شده که قرآن به عزت خداوند عزیز است چرا خداوند او را از تغییر و تبدیل حفظ می‌کنند. نیز گفته‌شده عزیز یعنی

منیع و نفوذناپذیر از باطل است به آنچه که در قرآن کریم از بیان نیکو و برهان روشن هست چون احکام قرآن حق است که عقل تأیید می‌کند. در مورد «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» پنج دیدگاه وجود دارد:

۱ـ قرآن کریم حق خالص آن‌چنان‌که هیچ شبه و نقص در او راه ندارد؛

۲ـ و شیطان توان کم کردن حق و زیاد کردن باطل را در آن ندارد؛

۳ـ چیزی که سبب بطلان قرآن شود از گذشته و حال و آینده وارد او نشده و نمی‌شود؛

۴ـ ابن عباس می‌گوید که از نه از اول نزول آن و نه از آخرش باطل وارد قرآن نمی‌شود؛

۵ـ یعنی اینکه و در اخبار قرآن کریم چه از گذشته و چه از آینده باطل راه ندارد. چراکه قرآن کریم نازل‌شده از جانب حکیم حمید است؛ حکیم کسی است که همه افعالش ازروی حکمت است. حمید به معنی محمود است یعنی کسی که سزاوار حمد و شکر بر جمیع افعالش می‌باشد زیرا همه افعال او نعمت که شکر آن واجب است. (*طوسی، ۴۶۰ ه.ق. ج۹، ص۱۳۰.*)

۳. جرجانی در تفسیر روزگار ذیل آیه مبارکه می‌نویسد: قطعاً این کتابی عزیز است منیع و غالب است که باطل به هیچ‌وجهی از وجوه به او راه نمی‌یابد و از هر تغییر و تبدیل ممنوع است و گفته‌اند که: هیچ عیب و شبهۀ از جهت لفظ و معنی به قرآن کریم راه نمی‌یابد. ضحّاک گفت: یعنی پیش از او هیچ حدیثی و کتابی نیامد که وی را باطل گرداند و از پس وی نیز هم نیاید. گفته‌اند که: در اخباری گذشته و آینده قرآن هیچ خلفی و کذبی نیست، کتابی

است نازل‌شده از جانب خدای حکیم و محکم کار و ستوده است که مستحق حمد و شکر هست. (*جرجانی، ۱۳۷۸ ه.ق. ج۸، ص۲۴۲.*)

۴. تفسیر منهج الصادیقین در تفسیر آیه مبارکه آورده است: که قرآن کتاب عزیز و ارجمند و گرامی نزد حضرت باری است. گویند که قرآن بجهت آن عزیز است که کلام رب عزیز است که ملک عزیز به رسول عزیز آورده برای امت عزیز، یا نامه دوست است به نزدیک دوست و نام دوست نزد دوستان عزیز باشد و گفته‌اند [قرآن کتاب] عزیز است به این معنی که هیچ‌کس قادر بر اتیان نمودن به‌مثل آن نیست، یا عزیز است به اعتبار آنکه مصون از تغییر و تحریف است. یا به آن اعتبار که بر اتم صفات احکام است یا بجهت اشتمال آن بر کثرت نفع، یا آنکه واجب است که اوامر و نواهی آن را عزیز دارند و اصلاً از آن تجاوز ننماید. «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ**» این صفت بعد از صفت است یعنی قرآن کتاب هست که نیامد به آن هیچ باطل «مِنْ بَینِ یدَیهِ» از پیش وی «وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» و نه از پس وی یعنی از هیچ جهت باطلی به‌سوی آن راه نیابد پس به طعن طاعن و تأویل مبطل مطعون و متأول نگردد؛ چه هر که درصدد طعن و ابطال او درآمد قول او ممحوق و تأویل او مضمحل و نابود شد و مع‌هذا بأقبح وجهی هلاک شده به عذاب ابدی و عقوبت سرمدی گرفتار گشت. از امام محمدباقر و امام جعفر صادق (ع) روایت‌شده که معنی مراد آن است که در اخبار ماضی و مستقبل وی دروغی نباشد بلکه جمیع چیزهای آن مطابق واقع است و موافق نفس الامر؛ و ضحاک گفته که معنی بر این وجه است که پیش از او هیچ کتابی نیامد که مبطل آن بوده باشد و بعدازاین هیچ کتابی نیاید که حکم

به بطلان آن کند و این قول از ابن عباس و کلبی و مقاتل منقول است. قتاده و سدی گویند که مراد از باطل شیطان است یعنی شیطان نمی‌تواند که از آن حقی را ناقص سازد یا کلام باطل در او زیاده کند. پس زیاده و نقصان در او راه نیابد، حسن بصری گفته که معنی آن است که اول تنزیل تا آخر از باطل مصون است. گویند که مراد آن است که به‌هیچ‌وجه از وجوه راه تناقض و کذب و تعارض بر او گشوده نمی‌شود و او «تَنْزِیلٌ»؛ فرو فرستاده‌شده است «مِنْ حَکِیمٍ»؛ از خدایی که دانا است به جمیع حکم و مصالح خلقان «حَمِیدٍ» ستوده شده به انعام نعم بر بندگان که ازجمله آن انزال قرآن است که اعظم نعم است. (*کاشانی، ۱۳ ه.ش. ج۸، ص۱۹۲.*)

۵. تفسیر خسروی در مورد نفی باطل از قرآن کریم می‌نویسد: باطل از هیچ جهتی از جهات در آن راه ندارد یعنی نه تناقضی در الفاظ آن و نه دروغی در اخبار آن است و نه با آن معارضه می‌شود و نه بر آن چیزی افزوده و نه چیزی از آن کاسته می‌گردد و تغییرناپذیر است تا روز قیامت و تا روز رستاخیز محفوظ و حجت بر مکلفین است و تأیید آن آیه دیگر است. (**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ**). (*خسروانی، ۱۳۹۰ ه.ق. ج ۷، ص ۳۴۳.*)

۶. تفسیر جامع در ذیل آیه ۴۲ سوره فصلت می‌نویسد: هرگز این قرآن و کتاب آسمانی براثر حوادث گذشته و آینده جهان از بین رفتنی نخواهد بود چون فرستاده خداوند حکیم و مقتدر و ستوده صفات است. (*بروجردی، ۱۳۶۶ ه.ش. ج۶، ص۱۷۵.*)

۷. دائره المعارف قرآن کریم می‌نویسد: ارجاع سه وصف «عَزِیزٌ؛

رسوخ‌ناپذیر»، «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ: باطل به آن راه نمی‌یابد**» و «**تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ**؛ نازل‌شده از سوی خداوند حکیم ستوده» هریک به طور مستقل بر عدم تحریف قرآن دلالت می‌کند، چون واژه «عَزِیزٌ» به معنای شکست‌ناپذیر و غیرقابل نفوذ و تحریف نوعی شکست و موجب نفوذپذیری قرآن است. واژه «باطل» نیز به معنای نقیض حق، چیزی را گویند که ثبات ندارد و تباهی و فساد می‌پذیرد و قرآن با نفی باطل هر نوع تغییر و تبدیلی را درباره خود نفی می‌کند، زیرا با توجه به اعجاز قرآن هرگونه تغییر و تبدیل، به محتوا، نظم و هماهنگی قرآن آسیب می‌رساند و مصداق تباه شونده و فسادپذیر می‌گردد، درحالی‌که این آیه با تعبیر «**من بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» به‌طورکلی در زمان گذشته و آینده و ازهرجهت چنین امری را منتفی دانسته است. در آخر یادآور این نکته است چون قرآن فرود آمده از سوی خداوند حکیم و ستوده است، قابل تحریف و تغییر نیست. آری خداوندی که کارهایش هدف‌دار و بدون نقص و خود برخوردار از همه کمال‌هاست، کتابش بطلان‌ناپذیر است، بنابراین اگر قرآن، تحریف‌شده باشد نقض غرض و ناسازگار با وصف حکیم بودن خدا خواهد بود. مقایسه بین تعابیر این دو آیه روشن می‌کند که صیانت قرآن از هر نوع تغییر و تحریفی هم از درون به لحاظ عزیز بودن و نفوذناپذیری و هم از برون به دلیل نگهبانی خداوند، تضمین‌شده است. *(مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ه.ش. ج۷، ص۳۲۶.)*

۸. محمد سبزواری می‌نویسد: مراد از « من بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» این است که از هیچ ناحیه‌ی و از هیچ جهتی باطل در قرآن کریم راه نمی‌یابد.

چون قرآن کریم از جانب پروردگار حکیم که عالم به جمیع وجوه مصالح بندگان هست نازل‌شده است. (*سبزواری، ۱۴۰۶ ه.ق. ج۶، ص۲۸۳.*)

۹. تفسیر البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن می‌نویسد: قرآن کریم کتاب عزیز است به معنی که او به تمام کتاب‌های غیر خودش غالب است. چون از جانب خداوند عزیز است که فرمود «**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ**» و عزت قرآن مطلق است به اینکه «لایاتیه الباطل» و مراد از باطل هر چیزی است که منافات با قرآن داشته باشد و شامل تحریف و تبدیل به زیاده و نقیصه می‌شود. مثل‌اینکه باطل نمی‌تواند در قرآن کریم راه پیدا کند تا آن را باطل گرداند. این آیه مبارکه دلالت می‌کند که قرآن کریم از هر نسخ و تحریف و باطل و شبه آن مصون است. درنتیجه این آیه مبارکه دلالت می‌کند که قرآن کریم از هرگونه نسخ و تحریف به‌صورت مطلق تا روز قیامت مصون است چون آخرین کتب وحی الهی است. (*صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ ه.ق ص. ۴۸۷.*)

۱۰. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن بعد از بیان اقوال در مورد نفی باطل می‌نویسد: ظاهراً بهترین آراء که می‌توان به وجهی تطبیق با روایت نمود همان قول اخیر است زیرا که قرآن حق است و حق را مقابل باطل آورند این است که قرآن همیشه ثابت و پایدار خواهد بود و باطل را در آن راهی نیست و قرآن از مبدأ حکمت و محل ثابت و استوار فرود آمده این است که همیشه ثابت و پایدار است. (*نصرت بیگم، بی‌تا. ج ۱۱، ص۳۳۷*)

۱۱. آیت‌الله خویی(ره) می‌نویسد: این آیه شریفه قرآن مجید را از انواع و اقسام باطل، پاک و به دور معرفی می‌کند. زیرا اگر در کلامی «نفی» متوجه

طبیعت و موجودیت چیزی گردد، تمام افراد و مصادیق آن را نفی خواهند کرد و این آیه نیز طبیعت بطلان را از دامن مقدس قرآن زدوده و نفی کرده است. بنابراین هیچ‌گونه بطلان که تحریف نیز یکی از مصادیق آن است، نمی‌تواند به ساحت قدس قرآن راه یابد. *(خوئی، ۱۳۸۲ ص. ۲۶۶)*

۱۲. در روض‌الجنان آورده است که در مورد آیه چند قول است و یکی از آن این است که مناقصه و شبهه و مشکل از جهت لفظ و معنی بر او راه ندارد. *(ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ه.ق. ج۱۷، ص۸۵)*

۱۳. علامه طباطبائی ره در المیزان ذیل این آیه مبارکه می‌نویسد: " عزیز" به معنای بی‌نظیر و یا منیع است، یعنی از اینکه مغلوب چیزی شود امتناع دارد. البته معنای دوم با جمله بعدی که می‌فرماید «**لا یأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ**» مناسب‌تر است. آمدن باطل به‌سوی قرآن، به این معنا است که باطل در آن راه پیدا کند، یا بعضی از اجزای آن از بین برود و باطل شود، و یا همه‌اش، به‌طوری‌که بعضی از حقایق و معارف حقه آن غیر حقه شود، و یا بعضی از احکام و شرایع آن، و توابع آن احکام از معارف اخلاقی، و یا همه این موارد ذکرشده لغو گردد، به‌طوری‌که دیگر قابل عمل نشود، (و چنین چیزی محال است بشود. و آیات و سوره‌های قرآن و معارف اعتقادی و اخلاقی و عملی‌اش تا قیامت به اعتبار خود باقی می‌ماند). بنابراین مراد ازجمله «مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» زمان نزول قرآن و عصرهای بعدازآن است تا روز قیامت. بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از «مِنْ بَینِ یدَیهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» تمامی جهات است، هم چنان‌که دو کلمه «صبح و شام» کنایه از همه زمان‌ها است. و بنابراین

می‌خواهد بفرماید: قرآن کریم ازهرجهت مصون از این است که دستخوش بطلان گردد، و این عمومیت بنا بر وجه اول که نظریه ما بود از اطلاق نفی در جمله«لا یاتیه» استفاده می‌شود. به‌هرحال، چه بنا به گفته ما، و چه بنا بر گفته آن مفسر، مضمون آیه این است که: در بیانات قرآن تناقضی، و در خبرهایی که داده دروغی، و در معارفش و حکمت‌ها و شرایع و احکامش هیچ بطلانی نیست، نه مورد معارضه چیزی واقع می‌شود، و نه دستخوش دگرگونگی می‌گردد. و ممکن نیست چیزی که از قرآن نیست در قرآن راه یابد، مثلاً آیاتش را تحریف کنند، و جای آن‌ها را تغییر دهند و یا کم و زیاد کنند. بنابراین، آیه شریفه همان را می‌گوید که آیه شریفه «**إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ**» درصدد بیانش می‌باشد. «تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» این جمله به‌منزله تعلیل است برای عزیز بودن قرآن، و بیان می‌کند که چگونه باطل از هیچ جهتی به قرآن راه ندارد، می‌فرماید: و چگونه چنین نباشد بااینکه از ناحیه حکیمی محکم‌کار نازل‌شده حکیمی که سستی در عمل او راه ندارد، حکیمی که ستوده علی الاطلاق است. (*طباطبایی، ۱۳۷۴ ه.ش. ج ۱۷، ص ۶۰۵.*)

۱۴. آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: از آیاتی که به‌صراحت بر پیراستگی قرآن از هرگونه تحریف دلالت دارد، آیه نفی باطل است. اگر کتابی در اثر اِشکال و شبهه نابود شود یا تاریخ مصرف آن بگذرد و نسخ شود، نفوذپذیر است و عزیز نیست و نیز اگر در دسترس تحریف‌کنندگان قرار گیرد و آنان بتوانند به دلخواهشان مطلبی را از آن کم یا در آن زیاد کنند، نفوذپذیر و فاقد عزت است؛ بلکه کتابی به‌صورت مطلق، عزیز است که از همه این گزندها

مصون باشد؛ نه با اشکال از بین برود، نه با معارضه ارائه مثل آن ممکن باشد؛ نه بتوانند آن را نسخ کنند و نه با کم یا زیاد کردن آن را تحریف نمایند. آنگاه چنین فرمود: «لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه». «من بین یدیه» یعنی در زمان نزول قرآن که حضرت رسول (ص) حضور دارد، در حریم قرآن بطلان راه پیدا نمی‌کند. «ولا من خلفه» یعنی پس از ایشان نیز بطلان، امکان راه‌یابی به قرآن را ندارد. اگر هنگام نزول و پس از رحلت پیامبر (ص) در قرآن اشکال و شبهه راه یابد یا تحریف به فزونی یا کاستی تحقق پیدا کند، بطلان به آن راه‌یافته است. نفی در «لایأتیه الباطل» نفی استغراقی است؛ یعنی راه‌یابی تمام انواع باطل را به حریم قرآن نفی می‌کند. *(جوادی آملی ,۱۳۸۹ ه‌ش ص.۶۲.)*

۱۵. علامه میلانی در مورد آیه ۴۲ سوره فصلت می‌نویسد: قرآن عظیم کتابی است که باطل در او راه ندارد. ظاهرترین مصداق باطل وقوع نقصان و کم شدن در قرآن کریم است. و این مصونیت از عیب را خداوند از روز نزول قرآن کریم تا قیامت به عهده گرفته است. (حسینی میلانی, ۱۴۲۶ ه.ق ص. ۳۸)

پس در نتیجه مفسرین شیعه با تفسیر این آیه مبارکه دو گونه برخورد کرده‌اند: بعضی دیدگاه‌های موجود که بیان مصادیق باطل که در کتب اهل‌سنت نیز ذیل آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت ذکرشده؛ پرداخته‌اند. و برخی دیگر از مفسرنی شیعه با بیان کلی و جامع به مسئله پرداخته و برای اثبات ادعایشان استدلال نموده است که در تفاسیر اهل‌سنت چنین استدلال به چشم نمی‌آید.

نتیجه

با توجه به بیان دیدگاه مسرین فریقین به این نتیجه می‌رسیم که مفسرین

اهل‌سنت بیشتر به بیان اقوال و مصادیق باطل پرداخته‌اند و کم‌تر به استدلال بر ادعایشان اشاره نموده‌اند. در مقابل برخی مفسرین شیعه مانند اهل‌سنت به بیان مصادیق باطل پرداخته‌اند. اندیشوران معاصر شیعه بیشتر با طرح ادعا و تبیین آن به بیان دلیل نیز پرداخته‌اند و آیات دال بر مصونیت قرآن کریم را تجزیه‌وتحلیل نموده‌اند مانند علامه طباطبایی (ره) در دلالت این آیه مبارکه بر نفی باطل و تحریف از قرآن کریم همه‌ای اندیشمندان علوم قرآنی شیعه و اهل‌سنت متفق‌القول هستند که این آیه مبارکه اطلاق دارد؛ و ورود هر نوع باطل در هر زمان و توسط هر شخصی را به قرآن کریم نفی می‌کند. لذا هرگونه تحریف لفظی به زیاده و یا کاستی و تحریف معنوی را نفی می‌کند.

و در این میان دو نفر از مفسرین شیعه و اهل‌سنت نکته جدید را بیان می‌کند و آن اینکه نسخ را از مصادیق باطل می‌داند و قائل‌اند که با توجه به آیه نفی باطل نسخ در قرآن کریم وجود ندارد.

کتابنامه

.....

۱. احمد بن محمود سیواسی. ۱۴۲۷ ه.ق. *عیون التفاسیر*. لبنان – بیروت، چاپ : دار صادر ، ۱۴۲۷ ه.ق.

۲. الغفار عبد الرسول. ۱۴۱۵. *المیسر فی علوم القرآن*. *بیروت* : دار و مکتبهٔ الرسول الاکرم، چاپ اول، ۱۴۱۵.

۳. حسین بن حسن جرجانی. ۱۳۷۸ ه.ق . *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان* (تفسیر گازر)، ایران – تهران، : دانشگاه تهران– چاپ: ۱، ۱۳۷۸ ه.ق .

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی. ۱۳۷۴ ه.ش.. *مفردات الفاظ قرآن* . تهران، چاپ: دوم : مرتضوی، ۱۳۷۴ ه.ش.

۵. عبدالله بن عمر بیضاوی. ۱۴۱۸ ه.ق. *أنوار التنزیل و أسرار التأویل* . لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه.ق.

۶. علی بن محمد ماوردی. م ۴۵۰ ه‍ق. *النکت و العیون تفسیر الماوردی*. لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار الکتب العلمیهٔ، منشورات محمد علی بیضون ، م ۴۵۰ ه‍ق.

۷. علی حسینی میلانی. ۱۴۲۶ ه.ق . *التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف*. ایران – قم : الحقائق – چاپ: ۳، ۱۴۲۶ ه.ق .

۸. علیرضا خسروانی . ۱۳۹۰ ه.ق . *تفسیر خسروی*. ایران – تهران : کتابفروشی اسلامیه – چاپ: ۱، ۱۳۹۰ ه.ق .

۹. فتح‌الله بن شکرالله کاشانی. ۱۳ ه.ش . *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ایران – تهران : کتابفروشی اسلامیه – چاپ: ۱، ۱۳ ه.ش .

۱۰. محمد سبزواری. ۱۴۰۶ ه.ق . *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. لبنان –

بیروت : دار التعارف للمطبوعات – چاپ: ۱، ۱۴۰۶ ه.ق .

۱۱. محمد صادقی تهرانی . ۱۴۱۹ ه.ق . *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. ایران – قم : مکتبهٔ محمد الصادقی الطهرانی –چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ه.ق .

۱۲. ابوالقاسم ایت الله خوئی. ۱۳۸۲. *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*. [المترجمون] محمد صادق نجمی. تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

۱۳. احمد بن محمد ثعلبی. ۱۴۲۲ ه.ق. *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار إحیاء التراث العربی ، ۱۴۲۲ ه.ق.

۱۴. اسماعیل بن حماد جوهری. ۱۳۷۶ ه.ق.. *الصحاح* -. بیروت، : چاپ: اول، دالعلم الملایین، ۱۳۷۶ ه.ق.

۱۵. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر. ۱۴۱۹ ه.ق. *تفسیر القرآن العظیم* (ابن کثیر). لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار الکتب العلمیهٔ، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ه.ق.

۱۶. حسین انصاریان. ۱۳۸۳ ه.ش.. *ترجمه قرآن*. ایران – قم، چاپ: ۱، : اسوه، ۱۳۸۳ ه.ش.

۱۷. حسین بن علی ابوالفتوح رازی. ۱۴۰۸ ه.ق. *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. ایران – مشهد مقدس، چاپ: ۱ : آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۴۰۸ ه.ق.

۱۸. عبد الله دکتر علی نصیری جوادی آملی. ۱۳۸۹ ه‍ش . *نزاهت قرآن از تحریف*. [المحرر] علی نصیری. ایران– قم : نشر اسراء ، ۱۳۸۹ ه‍ش .

۱۹. عبدالرحمن بن علی ابن‌جوزی. ۱۴۲۲ ه.ق. *زاد المسیر فی علم التفسیر*. لبنان – بیروت، چاپ : دار الکتاب العربی ، ۱۴۲۲ ه.ق.

۲۰. عبدالکریم بن هوازن قشیری. ۲۰۰۰ م. *لطائف الاشارات : تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*. مصر – قاهره، چاپ: ۳ : الهیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰ م.

۲۱. عبدالله بن محمد دینوری. ۱۴۲۴. *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*. لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴.

۲۲. علی‌اکبر قرشی بنابی. ۱۳۷۱ه‌ش. *قاموس قرآن*. ایران – تهران، چاپ: ۶ : دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ه‌ش.

۲۳. محمد بن احمد خطیب شربینی. ۱۴۲۵ ه.ق. *تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر*. لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون ، ۱۴۲۵ ه.ق.

۲۴. محمد بن جریر طبری. ۱۴۱۲ ه.ق.. *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الطبری). لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار المعرفة ، ۱۴۱۲ ه.ق.

۲۵. محمد بن حسن طوسی. ۴۶۰ه.ق . *التبیان فی تفسیر القرآن*. لبنان – بیروت : دار إحیاء التراث العربی – چاپ: ۱ ، ۴۶۰ه.ق .

۲۶. محمد بن عمر فخر رازی. ۱۴۲۰ ه.ق. *التفسیر الکبیر* (مفاتیح الغیب). لبنان – بیروت، چاپ: ۳ : دار إحیاء التراث العربی ، ۱۴۲۰ ه.ق.

۲۷. محمد بن مکرم ابن منظور. ۱۴۱۴ ه.ق.. *لسان العرب*. بیروت، چاپ: سوم : دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.

۲۸. محمّد حسین محمّدی. ۱۳۹۴. *درسنامه تحریف ناپذیری قرآن*. قم : مدرسه عالی امام خمینی ره ، ۱۳۹۴.

۲۹. محمد علی مهدوی راد. ۱۳۸۲. *آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی*. تهران : هستی نما، ۱۳۸۲.

۳۰. محمد یوسف حریری. ۱۳۸۴.. *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*. قم : هجرت – چاپ: دوم، ۱۳۸۴.

۳۱. محمدابراهیم بروجردی . ۱۳۶۶ ه.ش . *تفسیر جامع*. ایران – تهران : ۷جلد، کتابخانه صدر – چاپ: ۶، ۱۳۶۶ ه.ش .

۳۲. محمدحسین طباطبایی. ۱۳۷۴ ه.ش . *ترجمه تفسیر المیزان*. ایران – قم، چاپ: ۵ : جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش .

۳۳. محمود بن عبدالله آلوسی. ۱۴۱۵ ه.ق. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. لبنان – بیروت، چاپ: ۱ : دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ه.ق.

۳۴. محمود بن عمر زمخشری. ۱۴۰۷ ه.ق. *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. لبنان – بیروت، چاپ: ۳ : دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ه.ق.

۳۵. مرکز الرساله. ۱۴۱۷ه. *سلامة القرآن من التحریف*. قم : مرکز الرساله، ۱۴۱۷ه.

۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. ۱۳۸۲ ه.ش . *دایرة المعارف قرآن کریم*.

ایران – قم : بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) – چاپ: ۳، ۱۳۸۲ ه.ش .

۳۷. مقاتل بن سلیمان. ۱۴۲۳ ه.ق . *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. لبنان – بیروت : دار إحیاء التراث العربی، چاپ: ۱ ، ۱۴۲۳ ه.ق .

۳۸. ناصر جمعی از نویسندگان مکارم شیرازی. ۳۷۱ ه. ش. *تفسیر نمونه*. ایران– تهران : دار الکتب الإسلامیهٔ؛ چاپ ۱۰، ۳۷۱ ه. ش.

۳۹. نصرت‌بیگم امین . بی تا . *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*. بی جا، چاپ اول : بی نا، بی تا.